

صلح به صیغهء مجهول !



[بیوسته به گذشته بخش یکصدو نهم :](#)

میگویند ، سربازی که راکت RPG را سرچپه یعنی بصورت معکوس بروی شانه اش مانده بود شلیک کرد و دوستان خود را که پشت سر او ایستاده بودند با خون آغشته ساخت . وقتی براو اعتراض کردند که این چه کاری بود که کردی چرا راکت را که سرچپه برشانه مانده بودی شلیک کردی ؟ آن سرباز نظامی بلادرنگ در جواب گفت؛ وقتی این **آر پی جی RPG** خودی ها را به این روزرساند ، بر سر دشمن چه بلایی را می آورد !؟

<https://www.youtube.com/watch?v=GDilACwi4eo>

هر چند نه میخواستیم باز هم خلاف وعده کنم و مبحثی مربوط به روح و روان تغییرات و دیگرگونی های افغانستان و منطقه را که به باور من ریشه در تقابل دو گفتمان و قرئت دیوبندی و سلفی و هابی دارد از تحلیل باز ماند اما چنانچه در نخستین وعده خلاقی ام و در بخش های قبلی این سلسله ای از یادداشتهایم تذکر داده بودم حوادث گوناگون و گاهی درد ناکی در جغرافیای میهن ما افغانستان واقع می شوند که لزوماً تمامی برنامه های کاری من و تمامی قلم بدستان جامعه ما را به تعطیل می کشانند . اما باور کامل دارم که خواننده گان خبیر و دانای مملکت بویژه جوانان رشیدی از نسل پرخاشگر روشنفکران افغان که مطالب و یادداشت های ناچیزم را مرور می فرمائند و می دانند که این فعل و انفعالات ریشه در کدامین رگه های فکری داشته اند و ما به عنوان ره بلدان کوچکی از این نسل چگونه می اندیشیم ؟ یا به قول عامیانه "**تو بجنبان لبک ات من میدانم گپک ات**" اما خبر اینکه وقتی ناگهان شنیدیم هیأتی از جانب حزب اسلامی افغانستان مأمور انجام مذاکرات صلح با دولت وحدت ملی افغانستان شده است باخود گفتم عجب !

<https://www.youtube.com/watch?v=JF5AUd9Tv20>

از شما چه پنهان نتوانیستم وجه مشترک فکری ی قدیمی ترین حرکت سیاسی و اجتماعی ی که در بستر تحولات تاریخ معاصر افغانستان با گذشتان تجارب تلخ و شیرین فروانی از شکست ها و خوشی ها اش ظهور کرده با کانگستر های مافیائی که با کلید نگاه مادی به تاریخ و زندگی بشر بر طراوت ارزشهای از سرزمین باستانی و تمدنی شرق منجمله افغانستان نازل شده اند و پوسیده های تاریخ ما را دوباره پوساند و فرهنگ گذشته و تمدن باستانی مانرا از مفهوم تهی کردند و فرهنگ جدیدی از تجمل و مصرف را در زمین شخم کرده کاشتند وجود دارند ؟ و در چنین وضعیت تاروتاریک جامعه و آنچه را که بر فرهنگ ملی و تاریخی مان آورده اند ، می بینیم که بذر انحطاط یا همان عوارض طبیعی نظام سرمایه داری با قرئت مافیائی منافع شرکت های نفتی و کارخانه های اسلحه سازی برای

ستم دیده گان و مظلومان تاریخ کشور ما نقشه راهی را ترسیم میکنند؟ البته روشن است که حزب اسلامی افغانستان در حوزه اندیشه بالخصوص قرئت وگفتمان دینی که ستون فقرات جهان بینی آن حزب را تشکیل میدهد از مفردات فقه تاریخی وگفتمان بنیادگرای شریعتمدار با اتکای مطلق – مکانیکی و دگم به منابع فقهی تابعیت میکند که در جبهه گیری های طبقاتی با نظام بورژوازی و سرمایه داری لبرال هیچگونه تفاوتی ندارد حتی میتوان گفت که در بسیاری امور نظام های سکولار لبرال باتوجه به اهمیت دادن به نیاز های عمومی و روزمره انسان و جایگاه عقل غیر متعهد نسبت به قرئت حاکم بر تشکیلات حزب اسلامی و سائر دسته های از مخالفان و موافقان مذهبی نظام کنونی دارای برتری های بوده است. زیرا ا از قول حضرت علی (رض) نقل شده که **“الملك ببقی مع الکفر و لا ببقی مع الظم”** روی همین قرئت فقه تاریخی است که برده داری به عنوان احکام ثابت و لایتغیر – همه مکانی و همه زمانی تلقی میگردد. چنانچه هواداران این قرئت بنام دین برداری و حتی کنیز گرفتن را توجیه شرعی میکنند

<https://www.youtube.com/watch?v=J3nntZSP56s>

نباید تعجب کرد که سایه این قرئت برده داری و کنیز پروری براكثرتی از تفسیر آیه های از قرآن کریم بصورت وارونه و مسخ شده افتیده است حتی بزرگترین دانشگاه های جهان اسلام مانند پوهنتون الازهر در قاهره و پوهنتون مشهور دیوبند هند و جامعه مدینه منوره عربستان سعودی به مثابه مراکز تیوریزه سازی چنین قرئت برده داری و کنیز پروری در اسلام که شاگردان زیاد و فسیحُ السانی همچون استاد عبدالرب رسول سیاف و دیگران را به جامعه تقدیم نموده اند پیروان و هواداران سراپاقرص همین قرئت محسوب میشوند، و روی همین دلیل نیز جهت گیری های طبقاتی آنها در حوزه اقتصادی و سیاسی توجیه کننده نظام منحنط سرمایه داری لبرال در افغانستان و جهان است.



چنانچه استاد عبدالرب رسول سیاف که مالک چندین شهرک و مجتمع تجارتی، پوهنتون دعوت، شبکه بیست وچهار ساعته تلویزیونی موسوم به شبکه نور باری در یک گردهم آئی که به مناسبت تجلیل از شهادت استاد ربانی در کابل برگزار شده بود برخلاف اینکه باید بجایی جانپان و جنایتکاران ریشه های فساد و جنایت را از میان برد وبا جنایت مبارزه کرد آقای عبدالرب رسول سیاف که فارغ التحصیل پوهنتون الازهر مصر و در رشته ء احادیث فوق لسانس را اخذ نموده است بر استناد بر آیه های از قرآن کریم نسخه خونینی را اینگونه ارائه کرد

https://www.youtube.com/watch?v=o7zEd2mF_dY

خوب حالا که هیأت صلح برای اجرای مذاکرات به کابل آمده خوش آمده اند ! اما باید فهمید و دید که زبان بیان این هیأت برپایه کدامین پارامترهای اعتقادی و عمومی در حوزه شعار های ایدئولوژیک آن حزب استوار است ؟ و تاچه حد بر خواسته های عمومی و معنوی شهروندان ساکن در جغرافیای افغانستان تکیه دارد ؟



البته بگذاریم از این که اکثریتی از اعضا و رهبران ارشد حزب اسلامی افغانستان از سفره رنگین و اعتیاد آور همین شیاطین یهودی و نصرانی !! نشسته اند که برمبنای قرئت حاکم و گفتمان مذهبی و تاریخی ای مورد عمل این اعضا ی محترم حزب اسلامی به دلیل نصرانی بودن و پیروی از یهودیت واجب القتل بحساب می آیند . اما جایی نهایت تعجب است که نه تنها اعضای متفکر شامل در هیأت صلح به این حقیقت اظهر من الشمس توجه ندارند بلکه بسیاری از چهره های نامور جهان سیاست وابسته به حزب اسلامی افغانستان نیز از ارزیابی قدرت واقعی و صلاحیت حقیقی حاکمانی که بر تخت کابل جلوس کرده اند عاجز اند که متأسفانه این مهره های تهیه شده از خیابانهای نیورک و لاس آنجلس ، لندن – پاریس و امستردام بیش از هر استعمار دیگری مطیع و اهلی شده اند ! و درحوزه تعیین سرنوشت کشور و حفظ استقلال و تمامیت ارضی نه میتوانند بدون اجازه و اراده ارباب عمل کنند .

فهرست مطالبات ارائه شده از سوی حزب اسلامی !

اکنون بهتر است به سبد مطالباتی اشاره کنیم و نظر اندازیم که روزگاری نه چندان دور بلکه همین چندی قبل برای نابودی و انهدام شبکه های فتنه انگیز خارجی ها جوانان رشیدی اعم از زنان و جوانان نرسی را به وعده و وعید و ملاقات با حور و غلمان در انتظار نشسته ای که قصرهای مرمین بهشت را نورانی ساخته اند برای انجام عمل انتحاری که در قرئت شریعتمدار قدرت ، عمل استشهادی !! نامیده میشوند مأمور می ساختند . از آن همه شرائط و امتیازات که بگذریم چند پیش شرط اساسی و اصولی برای پیوستن حزب اسلامی افغانستان با قطار صلح خونین به نظر می خورد . چنانچه قبلاً آقای عبدالخبیر اچقون معاون **خانقاه صلح !!** یا همان شورای عالی صلح توافق بر بیست مورد مطالبات هر دو طرف سخن گفت و راکصلح با حزب اسلامی را نزدیک به اتمام دانیست و با وضاحت اعلام داشت که در باره بیست و دو یا بیست و سه مورد مطالبات حزب اسلامی به توافق رسیده اند و سه مورد آن که ظاهراً از صلاحیت های رئیس جمهور پنداشته می شد و قرار است امروز ساعت چهار بجه بدست رئیس جمهور برسد ..شاید عزیزان تصور کنند که این سه مورد بسیار

پراهمیتی که صدور دستور آن از صلاحیت های رئیس حکومت وحدت ملی میباشد از همان مواردی خواهند بود که با سرنوشت و آزادی عموم شهروندان این آب و خاک ارتباطی دارد ، نه هرگز نه ! آن سه مورد هم چنانچه مطبوعات از قول هر دو طرف مذاکره کننده بیان داشته است ، عبارت اند از

۱- صدور فرمان برای اعطای یک شهرک بزرگ رهائیشی بخاطر جابجائی مهاجرین اردوگاه شمشتو ی پیشاور -

۲- خروج گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی از لست سیاه ایالات متحده امریکا

۳- حضور مشارکت گسترده حزب اسلامی در نیروهای نظامی و امنیتی افغانستان شامل وزارت های دفاع، داخله و ریاست امنیت ملی.

چنانچه به وضاحت میبینیم این مطالبات و شرائط نه از جنس یک حرکت مخالف سیاسی برای پیوستن به فرآیند صلح است و نه هم با انجام حتی تمامی مواد و مفردات این موافقتنامه امکان تحقق صلح عادلانه در افغانستان وجود دارد ؛ برعلاوه ای اینکه پشتوانه خارجی این معامله نیز در برابر هرم دیگری از قدرت در خارج افغانستان روبه تضعیف میرود . یعنی اینکه هیأت اعزامی حزب اسلامی مورد حمایت حکومت نواز شریف بوده که در برابر آن ارتش پاکستان بویژه سازمان امنیتی ارتش آنکشور ISI که خود را نگهبانان سنتی عمق استراتژی پاکستان می خوانند و طبیعی است که پس از افشای مرگ ملا عمر بحیث پروژه مجهول از سوی محاذ فدائی طالبان که شاخه جدا شده از طالبان محسوب میشوند در بحران افغانستان به نظر می آید . روی همین دلیل نیز وقتی به دلیل عدم آمادگی هر دو طرف معامله ، برای تأمین صلح در افغانستان مذاکرات و گفتگوهای آغاز شده دچار تعلل گردید هیأت بلند پایه ای بنام هیأت دوم حزب اسلامی برای تحقق صلح با اداره کابل وارد کابل شد . چنانچه آقای امین کریم رئیس هیأت اولیه صلح از جانب حزب اسلامی در سخنان مقدماتی اش در پاسخ به شبکه تلویزیونی شمشاد اعلام کرد که هیأت دوم حزب اسلامی برای دو هدف عمده به کابل آمده است و آن اهداف رساندن پیام رهبری حزب اسلامی به جانب کابل است که نسبت به تعلل مذاکرات و گفتگو صوراً میگیرد و دوم این که از اعلام اطمینان حمایت رهبری حزب اسلامی از هیأت نخست برهبری امین کریم بوده که هیأت با سپری کردن سه روز و ملاقات با بزرگان دولت کابل دوباره به پیشاور پاکستان برگشت خواهند کرد . آنچه که بحیث یک پرسش و سوال اساسی و مهم از همه فعالان سیاسی شامل در هیأت صلح با رژیم کابل مطرح میکنم این است که آیا برآستی هم آنها باور یافته اند که نظام کنونی حاکم بر افغانستان میتواند نظام مبتنی بر اصول عدالت خواهی و برابری در جغرافیای افغانستان را قائم سازند ؟ آیا از نظر آقایون اعضای محترم هیأت حزب اسلامی واقعاً نظام کنونی حاکم بر کشور از لحاظ مشروعیت یک نظام عادلانه است ؟

